«رسالت» گزارش می‌دهد

سایه سنگین غفلت مسئولان بر قانون عصای سفید

گروه اجتماعی

یک درصد از جامعه را تشکیل می‌دهند و نمادشان عصای سفیدی است که در دستان‌شان خودنمایی می‌کند، مسیر نابینایان برای حضور در اجتماع و عرضه توانمندی‌هایشان هموارنیست. این در حالی است که قانون عصای سفید می‌گوید زمانی که فرد نابینا برای عبور از عرض خیابان عصای خود را به حالت افقی بالا می‌آورد، این عصا در حکم چراغ قرمز دستور توقف پلیس برای رانندگان است. توقف نکردن وسایل نقلیه در چنین حالتی از سوی راننده مشمول جریمه می‌شود، اما شاید کمتر راننده یا شهروندی از این قانون اطلاع داشته باشد، البته سایه سنگین غفلت مسئولان هم در این زمینه مزید بر علت شده است! این افراد باید بدون تبعیض در جامعه حضور داشته باشند، بااین حال بزرگ‌ترین دغدغه آن‌ها یعنی معابر شهری مانعی بزرگ برای تحقق اهداف‌شان به شمار می‌رود.

پس از جنگ جهانی اول عصای سفید به یک نماد برای شناسایی نابینایان در تمامی دنیا بدل شد و عکاسی از شهر بریستول انگلستان که در اثر سانحه‌ای بینایی خود را از دست داد، برای درمان ماندن از گزند وسایل نقلیه در خیابان‌های اطراف محل زندگی‌اش ابتکار استفاده از عصای سفید را از آن خود کرد.

بعد از آن دو تن از برجسته‌ترین محققین آمریکایی توانستند قانونی را به عنوان عصای سفید به تصویب برسانند. در کشور مانیز سال ۱۳۹۶ امنیت در تردد و برداشتن تمامی موانع محیطی و تسهیل‌سازی امکانات برای استفاده و حضور هر چه بیشتر نابینایان در جامعه مود تأکید قرار گرفت و از مهرماه همان سال قانون عصای سفید اجرایی و رئیس پلیس راهور ناجا اعلام کرد: مطابق این قانون تمام افرادی که بدون استفاده از هرگونه وسیله موتوری یا غیرموتوری حرکت کنند، نظیر افرادی با صندلی چرخ‌دار، چرخ‌دستی، کالسکه، سبدهای چرخ‌دار، واکر و عصای سفید به عنوان عابر پیاده محسوب می‌شوند که این موضوع در بند ۱۸ ماده یک آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی اصلاح شد. وسیله چرخ‌دار با ظرفیت یک نفر برای جابه‌جایی افراد معلول، ناتوان و کم‌توان که دارای وسایل و تجهیزات کنترلی مناسب است و نیروی محرکه آن برق یا نیروی بدنی فرد معلول است نیز در همین بند می‌گنجد. براین اساس تمامی رانندگان به طو مشخص با نزدیک شدن به فردا استفاده کننده از عصای سفید که عصای خود را به علامت ایست به صورت افقی نشان می‌دهد باید توقف کنند. این عصا به منزله تابلوی ایست برای رانندگان است و آنان موظف به توقف و اعطای حق تقدم عبور به فرد نابینا هستند و برای رانندگانی که از این قانون تخطی کنند، پلیس راهور جریمه‌ای نقدی تقریبا برابر با هزینه جریمه استفاده از تلفن همراه حین رانندگی، وضع کرده است. اما به دلیل عدم ضمانت‌های اجرایی و فقدان نظارت لازم این قانون سال‌هاست که مغفول مانده است.

هدف قانون عصای سفید آن است که به عموم جامعه شیوه صحیح برخورد با افراد نابینا را آموزش دهد و مسئولیت دولت را در قبال ایجاد تساوی در دسترسی به فرصت‌ها افزایش دهد و در نهایت امنیت نابینایان را با حضور مؤثر در جامعه تأمین کند. براساس هنجارهای پذیرفته شده بین المللی دولت موظف است که نابینایان را تشویق کند تا در همه امور اجتماعی و اقتصادی شرکت کنند و در نتیجه به کار اشتغال یابند؛ نابینایان و دیگر معلولان جسمی، حق استفاده آزادانه از خیابان‌ها و بزرگراه‌ها، پیاده روها و سایر مکان‌های همگانی و همینطور وسایل حمل و نقل، هتل و اماکن عمومی را دارند؛ رانندگانی که با وسایل نقلیه خود از خیابان می‌گذرند، در صورت مشاهده فرد نابینایی که از عصای سفید یا بازوبند نابینایی استفاده می‌کند، موظفند احتیاط لازم را به عمل آورند تا صدمه‌ای به این فرد وارد نشود.

بر اساس آمارهای جهانی نسبت تعداد کم‌بینایان چیزی در حدود سه برابر افراد نابینای مطلق است و در کشور ما آن هاسومین رده از گروه‌های معلولیتی کشور را شامل می‌شوند. مطابق اعلام سازمان بهزیستی ۱۴ درصد از افراد معلول کشور نابینا هستند واگرچه قانون عصای سفید سعی دارد ایمنی آن‌ها را در امکان‌های عمومی تضمین کند، اما فراگیری این قانون در سطح عمومی جامعه در اولویت دولت‌ها نیست و شهروندان با این قانون آشنایی ندارند.

شهروندان از این قانون اطلاعی ندارند!

در دو روز گذشته بارها عصای سفیدش را بالا برده، اما هیچ خودرویی جلوی پایش توقف نکرده: «چند نفری گفتند می‌خواهید کمکتان کنیم رد شوید. در حالی که در همه جای دنیا وقتی عصای سفید را بلند می‌کنند، خودروها می‌ایستند و فرد نابینا بدون کمک دیگران از خیابان رد می‌شود.»

سال‌هاست که مسئولان از اجرایی شدن قانون عصای سفید خبر می دهند. زهرا اما می‌گوید: «این قانون اجرا نشده است، قانونی که به نابینایان این امکان را می‌دهد که با بالا بردن عصای خود در هنگام عبور از خیابان‌ها به ماشین‌ها فرمان ایست دهند و من از شنیدن صدای ماشین‌ها و بوق‌های ممتد متوجه می‌شوم که نمی‌ایستند. شاید هنوز قانون را به درستی نمی‌دانند. در حالی که در بسیار از کشورها بیشتر از چهل سال است که اجرایی شده اما در ایران علیرغم اینکه گفته شده اجرایی شده است، بازهم به این قانون توجهی نمی‌شود.»

او بیست و یک ساله است و بیشتر اوقات مجبور است برای تردد در خیابان با امکان‌های عمومی با اسنپ برود و برگردد: «قبل از اسنپ هم از آژانس استفاده می‌کردم. چون در وسایل حمل و نقل عمومی برای ما نابینایان هیچ امکانی در نظر نگرفته اند.» او پیشتر از تاکسی استفاده می‌کرده اما مشکلات تاکسی هم کم نبوده: «تاکسی‌های کمی ما را سوار می‌کنند. مثلا باید مدت‌ها منتظر باشی تا یک راننده تو را سوار کند شاید به این خاطر که سوار و پیاده شدن فرد نابینا ممکن است بیشتر طول بکشد. در کشورهای توسعه یافته ناوگان حمل و نقل عمومی و تاکسی‌هایی با رنگ‌ها و اپراتورهای مخصوص و طراحی سایت‌های معین برای راهنمایی هرچه بهتر نابینایان آماده سازی شده و این از اقدامات رایج است. در متروی پاریس، بخش جدایی برای ورود ویلچر در نظر گرفته شده است و برای نابینایان از سگ‌های راهنما استفاده می‌شود که آن‌ها را به خوبی به مسیرها و گام‌ها هدایت می کند. اما در کشور ما همچنان تردد ایمن و ارزان از دغدغه‌های نابینایان است، با اصلاح حامل‌های انرژی، بسیاری از نابینایان توان مالی استفاده از تاکسی را ندارند و سازمان بهزیستی باید با در نظر گرفتن یارانه برای حمل و نقل افراد نابینا، تمهیدات جدی در این زمینه ببیند یشد. ضمن اینکه در سال‌های اخیر هم اغلب سازمان‌ها سرویس حمل و نقل خود را متوقف کرده‌اند و نابینایان شاغل در این ارگان‌ها با مشکلات جدی روبه رو شده و نیازمند هزینه‌های جبرانی هستند.»

مشکلات فراتر از عدم اجرای قانون عصای سفید

زهرا معتقد است که مشکلات نابینایان فراتر از قانون عصای سفید است و بیشتر ناشی از عدم آموزش درست به جامعه است: «فرهنگ‌سازی نکرده‌اند که با ما مثل مردم عادی برخورد کنند. به ما ترحم کرده و یا از ما سوء استفاده می کنند در حالی که می خواهیم با ما عادی باشند. طبیعتا در چنین شرایطی قانون عصای سفید هنوز به گوش دولت، رانندگان و عابرین آشنا نمی‌آید.»

امین هم با زهرا هم عقیده است و می گوید: «مشکل اساسی نابینایان عدم اجرای قانون و امکانات نیست. مشکل اصلی دید مردم جامعه نسبت به نابینایان یا کل معلولین است. در کشورهای دیگر وقتی نابینایان در رشته‌های مختلف تحصیلی درس می‌خوانند در موقعیت‌های مختلف شغلی از آن‌ها استفاده می‌شود مثل آدم‌های معمولی، اما در ایران فقط کارهای خاصی را برای نابینایان در نظر می‌گیرند. چون دید درستی وجود ندارد. از این روبه صرف وضع قانون و اجرای آن، نمی‌توان نابینایان را از انزوا خارج کرد. در حالی که جامعه آموزش فراگیر در این زمینه ندیده باشد و نگاه مسئولان نگاهی توام با محدودیت باشد، اجرای درست قانون عصای سفید شبیه یک رویای دست نیافتنی خواهد بود. ضمن آنکه طبق این قانون دولت موظف است افراد نابینا یا دیگر معلولان جسمی را در بخش‌های دولتی و شعب آن و همینطور مدارس دولتی با شرایط مساوی، چون دیگر افراد اجتماع بپذیرد، مگر اینکه معلولیت خاص آنها مانع انجام کار در آن مراکز باشد.»

امین بیست و پنج ساله است و لیسانس مترجمی زبان انگلیسی دارد. او در یک شرکت به عنوان مترجم مشغول کار است اما به گفته خودش کمتر نابینایانی هستند که کارهای مرتبط با رشته خودشان پیدا می‌کنند: «قانون نوشته شده‌ای وجود ندارد که مثلا فلان شغل را به نابینایان ندهند. اما بیشتر به نابینایان شغل‌هایی مثل تلفنچی می‌دهند، در شهرداری، شرکت یا فروشگاهی استخدام می‌شوند که جواب تلفن بدهند فرقی هم نمی‌کند در چه رشته‌ای تحصیل کرده باشند. هرچند با تکنولوژی‌های امروز تلفن‌ها خودکار شده و شغل اپراتوری در حال حذف شدن است و از طرف دیگر این شغل، جزء مشاغل خدماتی در قالب قراردادهای پیمانکاری به بخش خصوصی واگذار می‌شود و پیمانکاران نیز الزامی به استفاده از نیروهای نابینا ندارند.»

به گفته او نابینایان زیادی در رشته حقوق درس خوانده‌اند، اما با وجود گذشتن از سد آزمون وکالت هم تعداد کمی از آن‌ها در این شغل پذیرفته شده‌اند: «یکی از مشکلات این است که در ایران برای مشاغل تعریف دیگری هم در نظر گرفته می‌شود که گاهی افراد نابینا را با محدودیت مواجه می‌کند. مثلا منشی یا دفتردار باید جواب تلفن‌ها را بدهد و هماهنگی بین ملاقات‌ها و تنظیم وقت را انجام دهد. اما در ایران توقع دارند کسی که دفتردار است برای نقد کردن چک بانک هم برود یا انجام کارهای اداری را به عهده بگیرد.»

امین خوشحال است که کارش مرتبط با رشته تحصیلی‌اش است. اما برای دوستان دیگرش که نتوانسته‌اند کار متناسب با تخصص‌شان پیدا کنند، غمگین است و غمگین تر است از این بابت که در همه جای جهان تصویب قانونی تحت عنوان عصای سفید به استقلال نابینایان انجامیده، اما در کشور ما این قانون همچنان نتوانسته به عدم وابستگی و استقلال آنان بینجامد.

او می گوید: «ما مشکلات متعددی در زمینه خدمات شهری داریم. مثلا یکی از آن‌ها مسئله مترواست. در کشورهای خارجی جلوی ریل قطار یک شیشه وجود دارد و وقتی مترو توقف می‌کند این شیشه کنار می‌رود و مسافر به راحتی می‌تواند سوار قطار شود. ما در ایران این شیشه را نداریم و ممکن است افرادی که نمی‌بینند بیفتند داخل ریل قطار. کما این که متأسفانه در چند مورد این اتفاق افتاده و نابینایان داخل ریل قطار افتاده‌اند یک عده‌ای فوت کرده‌اند و عده‌ای هم نجات پیدا کردند. البته قانون عصای سفید جزئیات ریز و دقیقی دارد که آن‌ها را در کلیات بندها و تبصره‌ها نمی‌توان یافت. به طور مثال فاصله قانونی توقف خودرو هنگامی که معلول در میانه خیابان نشانه‌ای به سمت خودرو مبنی بر ایست نشان داده است ۵ فوت در نظر گرفته می‌شود؛ در این صورت از خطرات احتمالی برخورد خودرو با معلول جلوگیری می‌شود. همچنین در مثالی دیگر می‌توان گفت تغییر جهت‌های ناگهانی خودروها و موتورسیکلت‌ها ممکن است تعادل معلول را به هم بریزد. و یا در مثالی دیگر به راننده پیشنهاد می‌شود که تا حد امکان با صدای بوق معلول را نترساند چراکه تمرکز او برای عبور از خیابان جای خود را به هراس و عجله خواهد داد و در چنین شرایطی خطر او را تهدید خواهد کرد.»

او به مسئله سنگ فرش کردن خیابان‌ها هم اشاره می‌کند: «در میدان‌های اصلی شهرها سنگ فرش‌هایی را تعبیه کرده‌اند که نابینایان از آن استفاده کنند، اما هیچ نابینایی را نیاورده‌اند که آن را تست کند و ببینند کارآیی دارد یا نه؟ ضمن این که این سنگ فرش‌ها اگر نباشند ما کمتر به مانع برخورد می‌کنیم. فقط هزینه شده و درست کار نگذاشته‌اند. عصا داخل سوراخ‌ها گیر می‌کند. سنگ فرش‌ها را طوری چیده‌اند که وقتی می‌خواهی از روی آن‌ها بروی یکدفعه به جای پیاده‌رو از وسط خیابان سردرمی‌آوری. یک زمانی هم روی این سنگ فرش‌ها موتور پارک می‌کنند و یا دستفروش‌ها روی آن بساط می‌کنند و جایی برای عبور و مرور ما باقی نمی‌ماند.»

عمادسی و دو ساله است. فوق لیسانس تاریخ دارد، خودش کم بیناست و معلم نابینایان و کم بینایان است. او با اشاره به قانون عصای سفید می گوید: «همه مشکلات نابینایان با اجرایی شدن این قانون حل نمی‌شود.»

او به درست نبودن آسفالت‌ها و کوتاه بودن علمک‌های گاز اشاره می‌کند: «آسفالت‌ها پر ازچاله چوله است و مدام عصا داخل اش گیر می‌کند. علمک‌های گازکوتاه هستند و خیلی اوقات وقتی نابینایان از کنار خیابان عبور می‌کنند، سرشان به علمک اصابت می‌کند و زخمی می‌شود.» مشکل دیگر نابینایان به گفته عماد سرپوشیده نبودن جوی‌هاست: «گاهی نابینایان از کنار خیابان رد می‌شوند داخل جوی آب می‌افتند. این مسئله در زمستان و پاییز که یا جوی‌ها پر از آب و لجن است برایشان آزاردهنده می‌شود. لباس‌هایشان کثیف می‌شود و بو می‌گیرند در حالی که اگر جوی‌ها سرپوشیده باشد، از افتادن نابینایان به داخل آن جلوگیری می‌شود.»

کفپوش‌های مخصوص تردد نابینایان است که به رنگ زرد مشخص شده است. این المان طبق استاندارد خاصی باید ایجاد شود تا هنگام مناسب‌سازی آن را در معابر اجرا کنند که این استانداردها در موزاییک‌های موجود در تهران پیاده نشده است.»

او به برخی مشکلات این خطوط اشاره می‌کند: «خیلی از این خطوط قابل تشخیص نیست و صرفا با رنگ جدا شده که فرد بینا می‌تواند این خط را از میان سنگ فرش‌ها تشخیص دهد. اگر هم به گونه‌ای اجرا شود که برای فرد نابینا قابل تشخیص باشد، ولی گاهی گمراه کننده است. خطوط مخصوص نابینایان دو شکل کلی دارد؛ یکی خط موازی است و دیگری شکل سکه‌ای دارد. وقتی در خطوط موازی حرکت می‌کنم یعنی مسیر ادامه دارد، ولی موزاییک‌های سکه‌ای به این معناست که مسیر به جوی آب یا خیابان ختم می‌شود و نشان دهنده تمام شدن مسیر است. ولی وقتی در خطوط موازی حرکت می‌کنم گاهی مستقیم به جوی ختم می‌شود و اگر مراقب نباشیم همین موزاییک‌ها که بنا بوده ما را به مسیر درست هدایت کند، راهی جوب آب می‌کند. گاهی این خطوط از پایین تنه درخت عبور داده می‌شود و هنگام تردد شاخ و برگ‌های درختان به ما آسیب می‌زند. گاهی از کنار پایه بیلبورد عبور می‌کند و اگر به این خط اعتماد کنیم، درست است که پایمان به جایی نمی‌خورد، ولی به بیلبورد یا شاخ و برگ برخورد می‌کنیم.»

عدم اطلاع رسانی مسئولان و مرگ نابینایان

عماد بر اهمیت آگاهی رسانی در مورد قانون عصای سفید تأکید و خاطرنشان می کند: «اگر اطلاع رسانی لازم از سوی مسئولان صورت می گرفت، جواد ایزدی جانش را از دست نمی داد. در شهریور ماه سال ۱۳۹۸ در یکی از ایستگاه‌های بی‌آرتی شهر اصفهان، جواد ایزدی هنگام پیاده شدن از اتوبوس میان درب اتوبوس گیر می‌کند و با حرکت ناگهانی راننده به موانع سختی برخورد می‌کند و در نهایت از شدت جراحات وارده جان خود را از دست می‌دهد. اغلب ایستگاه‌های بی‌آرتی باید به موزاییک‌های عاج‌دار مخصوص نابینایان مجهز باشد اما هنوز اغلب ایستگاه‌ها از این خطوط اتوبوس، برای ویلچرنشینان دسترس‌پذیر نیست. در شهریور ماه ۱۳۹۸ نیز هما بدر در اثر سهل انگاری در راهنمایی او توسط مأموران ایستگاه، از سکوی مترو سقوط کرد. او در حالی که عصا به دست داشت، وارد محوطه مترو شد و هنگام رسیدن مقابل ورودی کارت بلیت الکترونیکی را وارد دستگاه کرد اما وقتی کارت وی عمل نکرد، نگهبان حاضر در محل با توجه به حضور زن نابینا، به کمکش آمد و پس از زدن کارت و باز شدن مسیر، هما از چند پله بالا رفت و وارد سکوی مترو شد اما متأسفانه نگهبان او را همراهی نکرد و هما تنها وارد سکو شد و پس از رسیدن به لبه سکو، حتی برای چند لحظه نیز ایستاد و دوباره به طرف جلو حرکت کرد که ناگهان به داخل چاله ایستگاه سقوط کرد، بنابراین آگاهی رسانی و اجرای دقیق قانون عصای سفید بسیار مهم است»

عماد با دانش آموزانش رفیق است و دردل‌هایشان را می‌شنود. خیلی وقت‌ها آن‌ها از درد مشترک‌شان حرف می‌زنند: «اکثر بچه‌های نابینا به شدت مستقل هستند، و خودشان بدون کمک کسی لباس می‌پوشند. وقتی بیرون می‌آیند ممکن است، لباس‌شان نامرتب باشد، متأسفانه عده‌ای از مردم وقتی یک نابینا با لباس نامرتب می‌بینند، فکر می‌کنند او گداست و به او پول می‌دهند. این موضوع بچه‌ها را خیلی می‌رنجاند. آن‌ها می‌گویند برخی متکدیان از نابینایی سوءاستفاده می‌کنند یا رل‌اش را بازی می‌کنند و مردم گمان می‌کنند همه نابینا‌ها گدا هستند.» بنابراین نابینایان در مواجهه با قضاوت بی‌اعتبار کننده دیگران ممکن است از عصای سفید استفاده نکنند تا از این قضاوت در امان بمانند. طرز نگاه جامعه به معلولان، زندگی ایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن‌ها را به خانه نشینی و استفاده نکردن از ابزار کمکی مخصوص معلولان وا می دارد. از این رو لزوم آموزش اجتماعی وسیع چه در بعد روانشناسی چه در بعد حقوقی مبرم است.

عماد در ادامه یکی از مهم‌ترین المان‌های شهری را برای نابینایان موزاییک‌های زردی می داند که در معابر با آن مواجه می‌شویم، اما همین المان مهم هم حالا به یکی از دغدغه‌های نابینایان تبدیل شده است: «اگرچه بیش از گذشته به پیاده‌روها توجه می‌شود، ولی آنچه نمود بیرونی دارد، روبه صرف وضع قانون و اجرای آن نیست. در حالی که جامعه آموزش فراگیر در این زمینه ندیده باشد و نگاه مسئولان نگاهی توام با محدودیت باشد، اجرای درست قانون عصای سفید شبیه یک رویای دست نیافتنی خواهد بود. ضمن آنکه طبق این قانون دولت موظف است افراد نابینا یا دیگر معلولان جسمی را در بخش‌های دولتی و شعب آن و همینطور مدارس دولتی با شرایط مساوی، چون دیگر افراد اجتماع بپذیرد، مگر اینکه معلولیت خاص آنها مانع انجام کار در آن مراکز باشد.»

امین بیست و پنج ساله است و لیسانس مترجمی زبان انگلیسی دارد. او در یک شرکت به عنوان مترجم مشغول کار است اما به گفته خودش کمتر نابینایانی هستند که کارهای مرتبط با رشته خودشان پیدا می‌کنند: «قانون نوشته شده‌ای وجود ندارد که مثلا فلان شغل را به نابینایان ندهند. اما بیشتر به نابینایان شغل‌هایی مثل تلفنچی می‌دهند، در شهرداری، شرکت یا فروشگاهی استخدام می‌شوند که جواب تلفن بدهند فرقی هم نمی‌کند در چه رشته‌ای تحصیل کرده باشند. هرچند با تکنولوژی‌های امروز تلفن‌ها خودکار شده و شغل اپراتوری در حال حذف شدن است و از طرف دیگر این شغل، جزء مشاغل خدماتی در قالب قراردادهای پیمانکاری به بخش خصوصی واگذار می‌شود و پیمانکاران نیز الزامی به استفاده از نیروهای نابینا ندارند.»

به گفته او نابینایان زیادی در رشته حقوق درس خوانده‌اند، اما با وجود گذشتن از سد آزمون وکالت هم تعداد کمی از آن‌ها در این شغل پذیرفته شده‌اند: «یکی از مشکلات این است که در ایران برای مشاغل تعریف دیگری هم در نظر گرفته می‌شود که گاهی افراد نابینا را با محدودیت مواجه می‌کند. مثلا منشی یا دفتردار باید جواب تلفن‌ها را بدهد و هماهنگی بین ملاقات‌ها و تنظیم وقت را انجام دهد. اما در ایران توقع دارند کسی که دفتردار است برای نقد کردن چک بانک هم برود یا انجام کارهای اداری را به عهده بگیرد.»

امین خوشحال است که کارش مرتبط با رشته تحصیلی‌اش است. اما برای دوستان دیگرش که نتوانسته‌اند کار متناسب با تخصص‌شان پیدا کنند، غمگین است و غمگین تر است از این بابت که در همه جای جهان تصویب قانونی تحت عنوان عصای سفید به استقلال نابینایان انجامیده، اما در کشور ما این قانون همچنان نتوانسته به عدم وابستگی و استقلال آنان بینجامد.

او می گوید: «ما مشکلات متعددی در زمینه خدمات شهری داریم. مثلا یکی از آن‌ها مسئله متروا ست. در کشورهای خارجی جلوی ریل قطار یک شیشه وجود دارد و وقتی مترو توقف می‌کند این شیشه کنار می‌رود و مسافر به راحتی می‌تواند سوار قطار شود. ما در ایران این شیشه را نداریم و ممکن است افرادی که نمی‌بینند بیفتند داخل ریل قطار. کما این که متأسفانه در چند مورد این اتفاق افتاده و نابینایان داخل ریل قطار افتاده‌اند یک عده‌ای فوت کرده‌اند و عده‌ای هم نجات پیدا کردند. البته قانون عصای سفید جزئیات ریز و دقیقی دارد که آن‌ها را در کلیات بندها و تبصره‌ها نمی‌توان یافت. به طور مثال فاصله قانونی توقف خودرو هنگامی که معلول در میانه خیابان نشانه‌ای به سمت خودرو مبنی بر ایست نشان داده است ۵ فوت در نظر گرفته می‌شود؛ در این صورت از خطرات احتمالی برخورد خودرو با معلول جلوگیری می‌شود. همچنین در مثالی دیگر می‌توان گفت تغییر جهت‌های ناگهانی خودروها و موتورسیکلت‌ها ممکن است تعادل معلول را به هم بریزد. و یا در مثالی دیگر به راننده پیشنهاد می‌شود که تا حد امکان با صدای بوق معلول را نترساند چراکه تمرکز او برای عبور از خیابان جای خود را به هراس و عجله خواهد داد و در چنین شرایطی خطر او را تهدید خواهد کرد.»

او به مسئله سنگ فرش کردن خیابان‌ها هم اشاره می‌کند: «در میدان‌های اصلی شهرها سنگ فرش‌هایی را تعبیه کرده‌اند که نابینایان از آن استفاده کنند، اما هیچ نابینایی را نیاورده‌اند که آن را تست کند و ببینند کارآیی دارد یا نه؟ ضمن این که این سنگ فرش‌ها اگر نباشند ما کمتر به مانع برخورد می‌کنیم. فقط هزینه شده و درست کار نگذاشته‌اند. عصا داخل سوراخ‌ها گیر می‌کند. سنگ فرش‌ها را طوری چیده‌اند که وقتی می‌خواهی از روی آن‌ها بروی یکدفعه به جای پیاده‌رو از وسط خیابان سردرمی‌آوری. یک زمانی هم روی این سنگ فرش‌ها موتور پارک می‌کنند و یا دستفروش‌ها روی آن بساط می‌کنند و جایی برای عبور و مرور ما باقی نمی‌ماند.»

عمادسی و دو ساله است. فوق لیسانس تاریخ دارد، خودش کم بیناست و معلم نابینایان و کم بینایان است. او با اشاره به قانون عصای سفید می گوید: «همه مشکلات نابینایان با اجرایی شدن این قانون حل نمی‌شود.»

او به درست نبودن آسفالت‌ها و کوتاه بودن علمک‌های گاز اشاره می‌کند: «آسفالت‌ها پر ازچاله چوله است و مدام عصا داخل اش گیر می‌کند. علمک‌های گازکوتاه هستند و خیلی اوقات وقتی نابینایان از کنار خیابان عبور می‌کنند، سرشان به علمک اصابت می‌کند و زخمی می‌شود.» مشکل دیگر نابینایان به گفته عماد سرپوشیده نبودن جوی‌هاست: «گاهی نابینایان از کنار خیابان رد می‌شوند داخل جوی آب می‌افتند. این مسئله در زمستان و پاییز که یا جوی‌ها پر از آب و لجن است برایشان آزاردهنده می‌شود. لباس‌هایشان کثیف می‌شود و بو می‌گیرند در حالی که اگر جوی‌ها سرپوشیده باشد، از افتادن نابینایان به داخل آن جلوگیری می‌شود.»

کفپوش‌های مخصوص تردد نابینایان است که به رنگ زرد مشخص شده است. این المان طبق استاندارد خاصی باید ایجاد شود تا هنگام مناسب‌سازی آن را در معابر اجرا کنند که این استانداردها در موزاییک‌های موجود در تهران پیاده نشده است.»

او به برخی مشکلات این خطوط اشاره می‌کند: «خیلی از این خطوط قابل تشخیص نیست و صرفا با رنگ جدا شده که فرد بینا می‌تواند این خط را از میان سنگ فرش‌ها تشخیص دهد. اگر هم به گونه‌ای اجرا شود که برای فرد نابینا قابل تشخیص باشد، ولی گاهی گمراه کننده است. خطوط مخصوص نابینایان دو شکل کلی دارد؛ یکی خط موازی است و دیگری شکل سکه‌ای دارد. وقتی در خطوط موازی حرکت می‌کنم یعنی مسیر ادامه دارد، ولی موزاییک‌های سکه‌ای به این معناست که مسیر به جوی آب یا خیابان ختم می‌شود و نشان دهنده تمام شدن مسیر است. ولی وقتی در خطوط موازی حرکت می‌کنم گاهی مستقیم به جوی ختم می‌شود و اگر مراقب نباشیم همین موزاییک‌ها که بنا بوده ما را به مسیر درست هدایت کند، راهی جوب آب می‌کند. گاهی این خطوط از پایین تنه درخت عبور داده می‌شود و هنگام تردد شاخ و برگ‌های درختان به ما آسیب می‌زند. گاهی از کنار پایه بیلبورد عبور می‌کند و اگر به این خط اعتماد کنیم، درست است که پایمان به جایی نمی‌خورد، ولی به بیلبورد یا شاخ و برگ برخورد می‌کنیم.»

عدم اطلاع رسانی مسئولان و مرگ نابینایان

عماد بر اهمیت آگاهی رسانی در مورد قانون عصای سفید تأکید و خاطرنشان می کند: «اگر اطلاع رسانی لازم از سوی مسئولان صورت می گرفت، جواد ایزدی جانش را از دست نمی داد. در شهریور ماه سال ۱۳۹۸ در یکی از ایستگاه‌های بی‌آرتی شهر اصفهان، جواد ایزدی هنگام پیاده شدن از اتوبوس میان درب اتوبوس گیر می‌کند و با حرکت ناگهانی راننده به موانع سختی برخورد می‌کند و در نهایت از شدت جراحات وارده جان خود را از دست می‌دهد. اغلب ایستگاه‌های بی‌آرتی باید به موزاییک‌های عاج‌دار مخصوص نابینایان مجهز باشد اما هنوز اغلب ایستگاه‌ها از این خطوط اتوبوس، برای ویلچرنشینان دسترس‌پذیر نیست. در شهریور ماه ۱۳۹۸ نیز هما بدر در اثر سهل انگاری در راهنمایی او توسط مأموران ایستگاه، از سکوی مترو سقوط کرد. او در حالی که عصا به دست داشت، وارد محوطه مترو شد و هنگام رسیدن مقابل ورودی کارت بلیت الکترونیکی را وارد دستگاه کرد اما وقتی کارت وی عمل نکرد، نگهبان حاضر در محل با توجه به حضور زن نابینا، به کمکش آمد و پس از زدن کارت و باز شدن مسیر، هما از چند پله بالا رفت و وارد سکوی مترو شد اما متأسفانه نگهبان او را همراهی نکرد و هما تنها وارد سکو شد و پس از رسیدن به لبه سکو، حتی برای چند لحظه نیز ایستاد و دوباره به طرف جلو حرکت کرد که ناگهان به داخل چاله ایستگاه سقوط کرد، بنابراین آگاهی رسانی و اجرای دقیق قانون عصای سفید بسیار مهم است»

باحضور استاندار کردستان:

فرصت های سرمایه گذاری شهرداری سنندج رونمایی شد

سنندج- حیاتی خبرنگار رسالت

استاندار کردستان در مراسم رونمایی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری شهرداری سنندج که در محل سالن شهدای گمنام استانداری برگزار شد، با اشاره به اینکه مقوله سرمایه‌گذاری لازمه توسعه استان است، گفت: استفاده از ظرفیت و توان بخش خصوصی بهترین راهکار و راهبرد برای توسعه و خلق ثروت است.

اسماعیل زارعی کوشا افزود: مقوله سرمایه‌گذاری از اولویت‌های مدیریت شهری است، زیرا شهرداری به عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی با وظایف متعدد نیازمند بهره گیری از ظرفیت مشارکت مردم و نیز ایجاد درآمد پایدار است تا برنامه هایش را با خیالی آسوده و بدون دغدغه پیگیری کند.

وی با تاکید بر این که شهرداری ها باید به سمت تثبیت درآمد پایدار حرکت کنند در غیر این صورت در آینده با مشکلات بیشتر مواجه خواهد شد، افزود: همه دستگاه‌های اجرایی برای رسیدن شهرداری سنندج به درآمد پایدار جهت بهبود خدمت رسانی به شهروندان، کمک و همراهی لازم را داشته باشند.

زارعی کوشا با بیان این که از دو سال پیش موضوع بسته‌های سرمایه گذاری بی‌نام را در استان مطرح کردیم، افزود: متاسفانه شاهدیم که بدنه کارشناسی دستگاه‌های اجرایی در برابر سرمایه گذاران مقاومت می کنند و این عدم همراهی با سرمایه گذاران صاحب صلاحیت، به نقطه ضعفی برای استان تبدیل شده است.

شهردار سنندج نیز در این مراسم با بیان اینکه نقش سرمایه گذاری شهری در توسعه و رونق اقتصادی شهر بسیار حائز اهمیت است گفت: راه نجات مدیریت شهری تلاش برای ایجاد درآمد پایدار است و سرمایه گذاری کلید پیشرفت و توسعه شهری است و در این زمینه باید از تمام ظرفیت‌ها و توان بخش خصوصی استفاده کرد.

سید انور رشیدی افزود: شهر سنندج به عنوان شهر خلاق موسیقی جهان و شهری دارای برندیک جهانی دارای ظرفیت‌های قابل توجه در حوزه گردشگری ورزشی، فرهنگی، هنری، سلامت و غیره است و این ظرفیت‌ها بستری بسیار خوب برای جذب سرمایه گذاری است امیدواریم با جذب سرمایه گذاران بتوانیم در راستای اجرای طرح‌های متنوع رفاهی، خدماتی، تجاری، مسکونی و گردشگری که موجبات توسعه همه جانبه شهر را فراهم می آورد گام برداریم.

وی با اشاره به ظرفیت های بکر شهر سنندج اظهار داشت: ظرفیت های احصا شده و تدوین آن در قالب پروژه‌های سرمایه گذاری ۵۰ درصد از کل پتانسیل‌های بکر شهر سنندج است که امیدواریم بتوانیم شاهد اجرای آن با ورود سرمایه گذاران باشیم.

رشیدی با اشاره به تدوین چندین هزار میلیارد تومان پروژه سرمایه گذاری توسط شهرداری سنندج به برخی از این پروژه‌ها هم گریزی زد و گفت: مجتمع تجاری خدماتی میدان قبا، بازارچه تجاری میدان ماموستا هیمن در بهاران، مجتمع تجاری خدماتی مرکز مطالعات، راسته تجاری خدماتی بهاران، مجتمع تجاری خدماتی خیابان طالقانی، مجتمع تجاری خدماتی بلوار کردستان، مجتمع فرهنگی خدماتی بلوار انتظام، مجتمع فرهنگی، هنری، تفریحی ورزشی دگایران، مجتمع مسکونی بلوار انتظام، مجتمع مسکونی دو واحدی شهرک سعدی، مجتمع مسکونی تک واحدی شهرک سعدی، مجتمع تجاری، خدماتی، گردشگری و دهکده سلامت جاده ساحلی روبروی پروژه سه سنندج، تله کابین سنندج، مجموعه تفریحی، گردشگری و کمپ های اقامتی سد وحدت، پارک معلم در میدان سهروردی بلوار معلم، پارک نیشتمان، پارک توس نوذر، پارک پیرچنار ابتدای ناحیه منفصل شهری حسن آباد، پارک دادگستری در بلوار کامکار جنب شهرک دادگستری، محور گردشگری قشلاق گریزه در حد فاصل پل قشلاق تا پل گریزه و ...از بسته‌های سرمایه‌گذاری آماده شهرداری برای واگذاری به سرمایه‌گذاران است.

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابرای به شماره ۷۶۶ مورخه ۱۴۰۳/۴/۲۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملکی اهرم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علیرضا جمشیدی فرزند عبداله به ش.ش ۲۹۱ و به ش.م ۳۵۵۹۷۵۷۶۵۷ صادره از تنگستان در شندانگ یک قطعه نخلستان به مساحت ۴۵۵۲/۶۸ مترمربع پلاک ۱۱ فرعی از ۱۲۹۳ اصلی قطعه یک اهرم خریداری از مالک رسمی آقای عبداله جمشیدی محرز گردیده است فلذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاری